

سوال: در مورد مجوسیان و اهمیت و ارزش شهادت آنها لطفاً برای ما کمی بیشتر توضیح دهید؟

جواب: در یکی از سروده های پرستشی که در روز جشن ظهور خوانده می شود، به سفر مجوسان چنین اشاره شده : با دنبال کردن یک نور ، نور را می جویند. ستاره ای که در آسمان پیدا شد ، در قلب و روح آنان نوری روشن کرد که سبب شد به دنبال نور بزرگ که مسیح است بروند. مجوسیان با وفاداری، به دنبال نوری که قلبشان را پر کرده بود رفتند و خداوند را ملاقات کردند. مسیر مجوسیان نمادی است از سرنوشت هر انسان: زندگی ما پیمایش یک مسیر است، نور راه را برایمان روشن کرده تا حقیقت و محبت را کاملاً پیدا کنیم. ما مسیحیان، این حقیقت و محبت را در عیسی می بینیم، او نور دنیا است .

همچون مجوسیان، هر انسان دو کتاب بزرگ در اختیار دارد که در آنها میتواند نشانه هایی برای این مسیر پیدا کند: کتاب آفرینش و کتب مقدس. مهم این است که دقت کنیم، بیدار باشیم و به خدایی که با ما صحبت می کند گوش کنیم ، او همیشه با ما صحبت میکند. همانطوری که در مزامیر با توجه به قانون خداوند نوشته شده: «کلام تو نوری است برای قدم‌هایم، برای راهم» (مزمور ۱۱۹، ۱۰۵). گوش کردن و خواندن اناجیل و تفکر در آن و تغذیه روح از آن، به ما اجازه میدهد تا مسیح زنده را ملاقات کرده ، از او و از محبتش بیاموزیم .

در متن اول (که در مراسم این روز خوانده شد)، دعوت خدا از زبان اشعیای پیامبر خطاب به اورشلیم طنین انداز میشود: «بلند شو، بدرخش !» (۶۰، ۱). از اورشلیم دعوت شده که شهر نور باشد ، نور خدا را بر جهان منعکس کند و به جهانیان کمک کند که در این راه قدم بردارند. این ندای درونی و رسالت قوم خدا در جهان است. اما ممکن است اورشلیم به این دعوت خدا پشت کند. اناجیل میگویند که مجوسیان هنگامی که به اورشلیم رسیدند ، مدتی کوتاه ستاره را نمی دیدند. ستاره را دیگر نمی دیدند. خصوصاً این نور در کاخ هیروودیس دیده نمی شد: این مکان تاریک بود، سیاهی، بدبینی، ترس و حسادت بر آن حکومت می کرد. در واقع، هیروودیس به خاطر تولد یک بچه ضعیف که او را رقیب خود می دید، مظنون و نگران شد. در حقیقت عیسی برای براندازی این «علی‌ورجه» بیچاره نیامده بود، او برای براندازی سلطان این دنیا آمده بود! با وجود این قیصر و مشاورانش صدای ترک خوردگی ساختار قدرتش را احساس کردند، آنان از اینکه قواعد بر ضدشان شود و واقعیت‌شان برملا گردد، به هراس افتادند. تمام دنیایی که بر پایه تسلط، موفقیت، دارایی و فساد برپاشده، با تولد یک بچه، بحرانی میشود! و هیروودیس وادار به کشتار اطفال میگردد. همانطوری که قدیس کود-وولت-دوس نوشته : «تو این بدنهای نحیف را میکشی چون ترس قلبت را کشته» (سخنرانی دوم: ۴۰، ۶۵۵). بله همینطور است: ترسیده بود و از ترس دیوانه شده بود .

مجوسیان توانستند از این لحظه ظلمت خطرناک ، که در نزد هیروودیس گذراندند ، عبور کنند، چون به متونی که نشان می داد بیت اللحم محل تولد مسیح است ، ایمان آوردند. بدین ترتیب از خرفتی شب حاکم بر این دنیا، فرار کردند ، به طرف بیت اللحم روانه شدند و بار دیگر ستاره را رویت نمودند، همان ستاره‌ای که در ظلمت مادیات کاخ دیده نمیشد . اناجیل میگویند که آنان از رؤیت مجدد ستاره ، بسیار خوشحال شدند (متی ۲، ۱۰) .

یک وجه این نور هدایت کننده که ما را در راه ایمان راهنمایی میکند «ترفند» مقدس است. «ترفند» مقدس نیز یک فضیلت است. منظور همان «ترفند» روحانی است که به ما اجازه و امکان تشخیص خطرات و فرار از آن را می دهد. مجوسان از این نور «ترفند» استفاده کرده، در برگشت به جای رفتن به کاخ ظلمت قیصر از راه دیگری برگشتند. این هوشیاران آمده از شرق، به ما نشان می دهند چگونه در دام ظلمات نیفتیم و چطور در مقابل تاریکی که سعی می کند زندگی ما را احاطه کند، از خود دفاع کنیم. آنان با این «ترفند» مقدس توانستند ایمان خود را حفظ کنند و ما نیز باید ایمانمان را در مقابل ظلمات حفظ کنیم. و همینطور در مقابل ظلمتی که گهگاه لباس نور بر تن میکند! پولس مقدس نیز گفته: «گاهی شیطان لباس فرشته نور را میپوشد». این «ترفند» مقدس برای نگهداری ایمان در مقابل بوق و کرناهای به صدا درآمده که می گویند: «ببیند، امروز باید چنین و چنان کنیم...» لازم است. ولی ایمان، یک لطف و هدیه است. بر ما است که آن را با «ترفند» مقدس، با دعا، با محبت و خیرخواهی حفظ کنیم. باید نور خدا را در قلبمان پذیرا باشیم و همزمان با آن، «ترفند» روحانی را بکاریم. ترفندی که بتواند سادگی و کلک را با هم در یکجا جمع کند، همانطوری که عیسی به شاگردانش می گفت: «همچون مار محتاط، و همچون کبوتر صاف و ساده باشید» (متی ۱۰، ۱۶).

در این جشن ظهور، که مخصوص یادآوری ظهور عیسی بر بشریت به صورت یک کودک است، احساس میکنیم که مجوسیان همچون همراهانی عاقل، ما را در مسیرمان همراهی می کنند. عملشان به ما کمک میکند که سرمان را بالا آورده، به ستارگان نگاه کنیم و خواسته های عمیق قلبی مان را دنبال کنیم. آنان به ما میاموزند که به زندگی پست و حقیرانه محدود کفایت نکنیم و برعکس همواره مشتاق آنچه خدا خوب، راست و زیبا میداند، باشیم. آنان همچنین به ما می آموزند که فریب ظواهر و آنچه را که از نظر دنیا بزرگ، عاقل و قدرتمند است نخوریم. نباید به این کفایت کرد. نگهداری ایمان لازم است. حفاظت ایمان در عصر ما خیلی مهم است. باید به آن سوی ظلمات و بوق و کرناهای آن و امور دنیوی و مدرنیت امروزی رفت، باید به بیت اللحم رفت، جایی که در سادگی یک خانه خارج از شهر، در بین یک پدر و مادر پر از محبت و ایمان، پادشاه جهان، خورشیدی که از بالا آمده، می درخشد.

همچون مجوسیان، با روشنایی اندکمان به دنبال نور بگردیم و از ایمان حفاظت کنیم. باشد که اینطور شود!